

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۱۸ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۸

اندازه قبر:

کمترین عمق قبر حداقل به اندازه نصف قامت يك انسان میانه قد باشد، متوفی به طرف قبله داخل قبر می شود و کسی که او را می گذارد بگوید: «بسم الله و علی ملة رسول الله» در صورت ممکن روی میت را روبه قبله می کنند و خشت های خام را بر لحدش می گذارند با طرف زن جهت ستر او چادر و یا تکه می گیرند.

در قبر از خشت پخته، چونه و سمنت استفاده کردن مکروه است، تخته سنگ و یا نی در قبری که شق دارد استفاده شود سپس بالای آن خاک ریختناده می شود سر قبر را ماهی پشت می سازند لُج کردن قبر جواز ندارد که این حالات از این حکم مثنئی است.

۱- مرده به کفن مغسوبه دفن شده باشد و صاحب کفن قیمت آن را نگیرد.

۲- مرده در زمین مغسوبه دفن شده باشد و صاحب زمین به باقی گذاشتن او راضی نبود.

۳- همراه مرده قصد و یا غیر قصدی مال دفن شده باشد، و یا طب عدلی، خواستار تحقیق در مورد چگونگی قتل میت گردد.

اگر شخصی در کشتی مُرد و چاره دفن آن نبود بهتر است به متوفی يك چیزی سنگین بسته شود و به دریا انداخته شود.

گذاشتن علامه و نشانه بر سر قبر:

علامت گذاشتن بر قبر به وسیله شیء مباح، جایز است، چنانکه از کثیر بن زید مدنی از مطلب روایت است که او (یعنی مطلب) گفت: «لَمَّا مَاتَ عُثْمَانُ بْنُ مَطْعُونٍ أُخْرِجَ بِجَنَازَتِهِ فُدْفِنَ فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا أَنْ يَأْتِيَهُ بِحَجَرٍ فَلَمْ يَسْتَطِعْ حَمَلَهُ فَقَامَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَحَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ قَالَ كَثِيرٌ قَالَ الْمُطَّلِبُ قَالَ الَّذِي يُخْبِرُنِي ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى بِيضِ ذِرَاعَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جِئْتُ حَسَرَ عَنْهُمَا ثُمَّ حَمَلَهَا فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَأْسِهِ وَقَالَ أَتَعَلَّمُ بِهَا قَبْرَ أَجِي وَأَذْفِنُ إِلَيْهِ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي» أبو داود (۳۲۰۶).

یعنی : وقتی عثمان بن مظعون فوت کرد و جنازه اش به مقبره برده شد و دفن گردید، رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را امر کرد تا سنگی بیاورد. آن مرد نتوانست سنگ را حمل کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم آستین را بالا زد و به طرف سنگ رفت. راوی می گوید: کسی که این جریان را از رسول الله صلی الله علیه وسلم برای من نقل می کرد، می گفت: این جریان چنان در خاطره من محفوظ است که گویی هم اکنون رسول الله صلی الله علیه وسلم را می بینم که آستین را بالا زده، سنگ را حمل می کند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سنگ را حمل کرد و در جهت سر میت گذاشت و فرمود: با گذاشتن این سنگ، قبر برادر من را علامت گذاری می کنم و اگر از خویشاوندانم کسی بمیرد، او را در قرب و جوارش دفن می کنم».

حافظ بن حجر در «التلخیص الحبیر» (۲ / ۱۳۳) اسناد این حدیث را حسن دانسته است. و شیخ البانی با استناد به این حدیث گفته : «قبر به وسیله سنگ یا امثال آن علامتگذاری شود تا دیگر خویشاوندان و بستگانش در قرب و جوار او دفن شوند».

و امام ابن قدامه می گوید : «علامت گذاشتن قبر به وسیله سنگ یا چوب ممانعتی ندارد، امام احمد گفته : ایرادی ندارد که شخص قبر را علامت بگذارد تا به وسیله آن شناخته شود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم قبر عثمان بن مظعون را علامت گذاشت». «المغنی» (۲ / ۱۹۱).

ساختن قبر قبل از مرگ:

برخی از مردم عادات دارند قبل از این که مرگ شان فرا رسد ، در جست و جوی قبر می شوند و برای خود قبر را آماده می سازند ؟ این عمل در شرع اسلامی جواز ندارد ، قبرستان عمومی ملک شخصی کسی نیست، برای احدی جایز نیست که قبل از وفاتش برای خود قبر حفر نماید، زیرا این کار موجب محروم ساختن دیگران می شود، ولی اگر قبرستان ملک شخصی این شخص باشد ، در آن صورت می تواند در ملکیت خود تصرف کند ، و شرع برایش اجازه می دهد تا قبل از مرگ برای خود قبر انتخاب و حفر نماید .

در کتاب « مواهب الجلیل» (۲/۲۴۶) آمده : « برای او جایز نیست قبری را حفر کند تا اگر مُرد در آنجا دفن شود، زیرا موجب محروم شدن دیگری می شود و آنکس که زودتر می میرد نسبت به او اولتر است که در آنجا دفن شود، اما اگر ملک خودش باشد برای او جایز است؛ زیرا غصب کسی نیست و موجب یادآوری مرگ برای او می شود..».

و در «کشاف القناع» (۲/۱۴۵) آمده : «حفر قبر در قبرستان وقف شده (عمومی) قبل از نیاز به آن ، یعنی نیاز به دفن شدن ، حرام است، مثل کسی که قبری برای خود می گیرد تا اگر مُرد وی را در آنجا دفن کنند».

و خطیب شربینی از فقهای جهان اسلام می فرماید :

«اگر در قبرستان وقف شده ای قبری را حفر کند، (با این کار) آن قبر به او اختصاص خواهد داشت، زیرا ملاک تقدم با دفن است نه با حفر» . "مغنی المحتاج" (۳/۵۰۲).

شیخ ابن عثیمین درباره می فرماید :

«حفر قبر برای او قیل از مرگش، اگر در قبرستان عمومی باشد جایز نیست؛ زیرا با اینکار مکانی را اشغال کرده و دیگری را از دفن نمودن در آنجا منع می گرداند، درحالی که نمی داند کجا خواهد مُرد، چه بسا در سرزمین دیگری بمیرد، اما اگر قبرستان عمومی نباشد، ایرادی ندارد، چنانکه عایشه رضی الله عنها مکان قبر خود را در خانه اش (حجره نبوی) آماده کرده بد، ولی بعداً به عمر رضی الله عنه رسید» . (مجموع فتاوی ابن عثیمین (۷۸/۱۷)).

حکم امانتاً دفن کردن درقبر:

برخی از مسلمانان که در کشور های دیگری زندگی می نمایند، متوفی را در تابوت مخصوص گذاشته و به اصطلاح امانتاً دفن می نمایند و بعد از مدتی آن را به محل مربوطه انتقال می دهند، بعد از انتقال جسد میت را از تابوت بیرون کشیده دوباره دفن می نمایند. به یاد داشته باشید که بعد از دفن کردن اگر که امانتاً دفن کرده باشید کشیدن دوباره شرعاً جائز نیست و دفن کردن امانتاً هم در شرع نیست. (عزیز الفتاوی صفحه ۳۴۲ جلد اول).

رفتن به قبرستان در روز سوم:

در افغانستان رسم طوری است که در روز سوم بری مراسم عزادری اهتمام خاصی قایل هستند و در روز سوم اهل واقارب میت جمع شده و به قبرستان می روند و به اصطلاح یک بار دیگر مراسم تعزی را در روز سوم دوباره زنده می سازند و حتی آن را به مراسم عزادری روز سوم مسمی می سازند.

در حالی که دو روز قبل محافل عزاداری با مراسم خاص ختم قرآن و خیرات در خانه میت در مسجد و فاتحه خانه زنانه و مردانه نیز صورت گرفته است و باز هم فامیل متوفی روز سوم، عزادری را در قبرستان بر پا می دارند.

تجلیل مراسم روز سوم و رفتن به قبرستان اصل شرعی نداشته و ندارد. در مجموع باید گفت:

عزادری بعد از مرگ و آنهم با این مصارف گزاف به مناسبت روز سوم، دهم، بیستم، چهلم، عید اول، عید دوم سال و سایر تجلیل ها از جمله بدعت ها و عمل ناجایز می باشد با تأسف اگر کسی آنرا انجام ندهد، برایش طعنه هم می زنند. ثبوت این اعمال نه در قرآن و سنت و نه از اعمال اصحاب و نه از تابعین و ائمه مسلمین و سلف الصالحین در هیچ یک وجود نداشته، ترک و فروگذاشتن این اعمال واجب است (امداد المفتیین).

حکم دفن میت در قبرکهنه:

هرگاه میت در قبر دفن گردید، واجب است که آن قبر را رها ساخت (و ویران نکرد) تا زمانی که اثری از آن قبر نماند و لذا نبش قبر (مادامی که متعلق به مسلمانی باشد) و بیرون آوردن اسکلت میت جهت دفن نمودن مرده دیگری در آن قبر جایز نیست.

امام نووی رحمة الله در «المجموع» می گوید:

« به اتفاق اصحاب (شافعیه) نبش قبر بدون عذر شرعی جایز نیست. ولی اگر مرده در قبر (پس از سالیانی) به خاک تبدیل شد، نبش آن برای این که مرده دیگری را داخل آن نمود یا این که به زمین زراعتی تبدیل کرد، جایز است و همچنین به اتفاق اصحاب (شافعیه) جایز است تا برای سایر تصرفات و منتفعات از آن قبر استفاده کرد و این به شرطی است که داخل قبر حاوی استخوانهای میت نباشد و اثری از آن نمانده باشد. "المجموع" (۲۷۳/۵) پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

«إِنَّ كَسْرَ عَظْمِ الْمُؤْمِنِ مِثْلُ كَسْرِ حَيًّا». (بخاری) (شکستن استخوان مؤمن بعد از مردن، مانند شکستن استخوان او در حال حیات است).

یعنی این که گناه این کار در حال زنده بودن و بعد از مردن برابر است. این حدیث، بر حرمت شکستن استخوان میت مؤمن دلالت دارد.

شیخ ناصر الدین البانی رحمة الله در کتاب الجنایز خود در مورد حدیث فوق می گوید:

"از حدیث مذکور موارد زیر استنباط می شود:

۱- نبش قبر مسلمان به دلیل احتمال شکستن استخوانهایش حرام است. بر این اساس بعضی از سلف، حفر قبر را در مقبره ای که اموات، به کثرت آنجا دفن شده اند، مناسب ندانسته اند...

امام نووی در «المجموع» (۳۰۳/۵) می گوید: «نبش قبر بدون مجوز شرعی صحیح نیست، البته به خاطر اسباب شرعی مانعی ندارد...»

خلاصه کلام نووی این است: نبش قبر و بیرون آوردن اجزای جسد پس از پوسیده شدن (استخوانهایش) و از بین رفتنش جایز می باشد. در چنین صورتی، جایز است که جسد دیگری در آنجا دفن شود. هم چنین اگر جسد میت پوسیده و به طور کامل به خاک تبدیل شده باشد، جایز است در آنجا زراعت کرد یا ساختمان احداث نمود و از بین رفتن میت، مدت مشخصی ندارد، بلکه با اختلاف شرایط جوی و تفاوت هوای هر منطقه مدت آن نیز متفاوت است... از جمله کارهای شگفت آوری که جلب توجه می کند، این است که بسیاری از حکومت های اسلامی به سنگ ها و بناهایی که بر روی قبور نصب شده اند احترام بیشتری قائل اند تا نسبت به صاحبان قبر یعنی، اگر گنبد، سنگ یادبود و یا ساختمانی در مسیر پروژه ها و برنامه های عمرانی قرار گیرد، از انهدام آن خودداری می کنند و به خاطر حفظ آن، نقشه تنظیم شده عمرانی را تغییر می دهند، چون آن را از آثار باستانی می دانند! اما خود قبر نزد آنان از چنین احترامی برخوردار نیست و به خاطر حفاظت آن، چنین تغییری در نقشه های خود به وجود نمی آورند. حتی بعضی از حکومت ها بر اساس اطلاعاتی که داریم سعی شان بر این است که اموات را بیرون از حوزه شهر و به دور از مقبره های باستانی دفن کنند، این عمل به عقیده من مخالفتی دیگر با موازین شرعی است.

طبق این حدیث، جواب سؤالی که میان محصلین پوهنهی طب به کثرت مطرح است، روشن می گردد و آن این که: آیا کالبد شکافی انسانها و شکستن استخوان مرده ها، به منظور انجام تحقیقات طبی جایز است یا خیر؟ جواب این است: این کار در حق مردگان مسلمان جایز نیست و در حق اموات غیر مسلمان جایز است و آنچه در مسأله بعدی مطرح می شود، مؤید این مطلب است.

۲- استخوان غیر مسلمانان از چنین احترامی برخوردار نیست. چون در حدیث کلمه «عظم» که به معنی استخوان است به مؤمن اضافه شده است و چنین به نظر می آید که کافر از این احترام برخوردار نیست...

نبش قبور کفار جایز است، زیرا کفار از چنین احترامی برخوردار نیستند، همانطور که حدیث سابق بدان اشاره دارد. حدیث انس بن مالک رضی الله عنه نیز مؤید این مطلب است که می گوید: وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد مدینه شد، در قبیله بنو عمرو بن عوف اقامت کرد. چهارده شب در آنجا مقیم شد. سپس قاصدی نزد بنی نجار فرستاد. آنان در حالی که مسلح بودند، آمدند. انس رضی الله عنه می گوید: آن صحنه را هنوز به خاطر دارم که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالی که سوار شتر بود و ابوبکر رضی الله عنه پشت سر ایشان، و سران طایفه بنی نجار اطراف آن دو گرد آمده بودند. رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد صحن منزل ابو ایوب انصاری رضی الله عنه شد و دوست داشت هر جا که وقت نماز رسد، نماز بخواند. در نزدیکی محل خواباندن گوسفندان، نماز خواند. برای ساختن مسجد با سران طایفه مشغول مذاکره بود و خطاب به آنان فرمود: این باغ را برای ساختن مسجد، در برابر دریافت قیمت واگذار کنید. آنان در جواب گفتند: به خدا سوگند ما آماده هستیم که بدون قیمت، آن را در اختیار شما قرار دهیم. زمین مورد بحث داخل چهار دیواری بود. در آنجا قبور مشرکین، نخلستان و ویرانه هایی وجود داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داد تا قبور مشرکین را خراب کنند، همواری ها، مسطح و درخت های خرما قطع شوند. تنه نخلها را به طرف قبله مسجد چیدند و دو طرف راست و چپ مسجد را با سنگ ساختند. اصحاب، سنگ حمل می کردند و می آوردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در حالی که با اصحابش مشغول حمل خشت بود، چنین رجز می خواند:

اللهم ان الاجر اجز الآخرة فارحم الانصار و المهاجرة (بخاری)

(پروردگارا! همانا اجر واقعی، اجر آخرت است. پس بر انصار و مهاجرین رحم بفرما).

حافظ در الفتح می گوید:

از حدیث مذکور چنین بر می آید که تصرف در قبوری که به وسیله هبه یا بیع ، مملوک می گردند جایز است . همچنین نبش قبور کهنه و از بین رفته اگر متعلق به غیر مسلمانان باشد، مانعی ندارد. همچنین خواندن نماز در قبرستان کفار بعد از نبش و بیرون آوردن آنها و ساختن مسجد در آنجا نیز، بلا مانع است."

پس خلاصه این که نبش قبور مسلمانان تا زمانی که اثر میت در آنها باقی مانده است به جز در صورت ضرورت جایز نیست و این عمل بی احترامی به مردگان است ولی اگر اثری از آنها نمانده باشد به گونه ای که حتی استخوان هایشان نیز به خاک تبدیل شده باشند، ایرادی ندارد که قبور را نبش کرد و مرده دیگری را در آن دفن کرد یا این که در آن محل زراعت یا بنائی ساخت. ولی هرگونه تصرفی در قبرستان کفار جایز است. والله اعلم

دفن میت واجب است، ولو کافر باشد:

دین مقدس اسلام به پیروان خویش هدایت فرموده که دفن میت واجب است ، ولو که کافر هم باشد ، غرض توضیح بیشتر و بهتر موضوع توجه خوانندگان محترم را به احادیث ذیل جلب می نمایم :

۱- گروهی از اصحاب که ابوظلحه انصاری یکی از آنان است روایت می کنند :

رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز بدر، امر کرد تا جسد ۲۴ تن از سران قریش در خندقی یا چاهی از چاه های بدر انداخته شود، (جز امیه بن خلف، که ورم کرده و لباس زرهای اش پر شده بود، وقتی او را تکان دادند، اجزای بدنش از هم جدا شد. بنابراین، جسد وی را به حال خود رها کردند و بر جسدش سنگ و خاک ریختند تا پنهان گردد).

معمولاً رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه در جنگ علیه دشمن پیروز می شد، تا سه روز در میدان توقف می کرد. روز سوم غزه بدر، امر کرد تا مرکبش را آماده کنند. سپس به راه افتاد و یارانش او را همراهی کردند و گفتند: حتماً برای انجام کاری تشریف می برد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به راهش ادامه داد تا این که بر دهانه چاه ایستاد و شروع به ندا دادن نامهای سران کشته شده قریش نمود و فرمود:

ای ابو جهل و عتبه و شیبه و ولید! آیا آرزو نمی کنید که کاش از خدا و پیامبرش اطاعت می کردید؟ ما وعده پروردگاران را حق یافتیم، آیا شما نیز وعده پروردگار را حق یافتید؟ عمر (رض) که سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم را می شنید، گفت: ای پیامبر خدا با جسدهای بی روح و مرده سخن می گوئی؟ مگر آن ها می شنوند؟ مگر خداوند نگفته است: تو نمی توانی که مردگان را بشنوانی؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند به خدائی که جان محمد در قبضه او است، شما سخنان مرا بهتر از آن ها نمی شنوید.

به خدا سوگند، آن ها اکنون می دانند آنچه من به آن ها می گفتم، حق بود ولی قادر نیستند به سوالهای من پاسخ بدهند. قتاده می گوید: خداوند در آن لحظه آن ها را برای شنیدن سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم زنده کرد تا تحقیر بشوند و حسرت بخورند. (این حدیث از عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر و جمعی از صحابه نقل شده است.)

همچنان در حدیث دیگری حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید :

وقتی ابوطالب فوت کرد، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم و عرض کردم: کاکایت، ابوطالب فوت شده است. چه کسی او را دفن کند؟ رسول خدا فرمود: او را دفن کن و تا برنگشته ای، سخن مگو.

حضرت می فرماید: او را دفن کرده و به محضر رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر شدم. رسول خدا فرمود: برو و غسل کن و تا پیش من نیامدی، سخن نگو. علی می گوید: غسل کردم و نزد رسول الله رفتم. آنحضرت برای من دعا کرد، دعاهائی که آن ها را از داشتن شترهای آبستن و سرخ رنگ ترجیح می دهم.

حکم ویران کردن قبر:

طوری که در فوق تذکر دادیم، حکم شرع اسلامی همین است تا زمانی که استخوان مردگان سالم باشد، تخریب قبرستان حرام است، زیرا لازمه خراب کردن آن؛ شکستن و بیرون راندن استخوان اجساد مردگان است و این کار به معنای اهانت به آنهاست که حرام می باشد و دلیل ممنوع بودن شکستن استخوانهای میت حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم است که می فرماید: «إِنَّ كَسْرَ عَظْمِ الْمُؤْمِنِ مِثْلُ مِثْلٍ كَسَرِهِ حَيًّا». ابوداود (۶۹/۲) ابن ماجه (۴۹۲/۱). یعنی: شکستن استخوان مؤمن بعد از مردن، مانند شکستن استخوان او در حال حیات است. یعنی این که گناه این کار در حال زنده بودن و بعد از مردن برابر است.

این حدیث، بر حرمت شکستن استخوان میت مؤمن دلالت دارد، اما اگر استخوان اجساد پوسیده و به خاک تبدیل شده باشند، در آنصورت تخریب آنها وزراعت و ساختن در آنجا بلامانع است. چنانکه فقهای حنفی گفتند:

هرگاه میت فاسد شد، و به خاک تبدیل گشت، می توان مرده دیگری را در همان قبر دفن کرد، و یا در آنجا زراعت نمود، و یا ساختمانی بر آن بنا کرد. "حاشیه ابن عابدین" (۱ / ۵۹۹).

و حنابله گفتند: هرگاه جسد میت پوسیده شود، زراعت و شخم زدن قبر و یا غیر آن مانند ساختمان سازی جایز است، اما اگر هنوز اجساد پوسیده نشده باشند، جایز نیست و این حکم برای زمانی است که قبرستان از زمین وقفی نباشد، اگر آن زمین برای دفن اموات وقف شده باشد، کشاورزی و شخم زدن آنجا جایز نیست. "کشاف القناع" (۲ / ۱۴۴).

و امام نووی - از فقهای شافعیه - در «المجموع» (۳۰۳/۵) می گوید: «نبش قبر بدون مجوز شرعی صحیح نیست، البته به خاطر اسباب شرعی مانعی ندارد».

شیخ البانی در «کتاب الجنایز» می گوید:

«خلاصه کلام امام نووی این است: نبش قبر و بیرون آوردن اجزای جسد پس از پوسیده شدن و از بین رفتنش جایز می باشد. در چنین صورتی، جایز است که جسد دیگری در آنجا دفن شود. هم چنین اگر جسد میت پوسیده و به طور کامل به خاک تبدیل شده باشد، جایز است در آنجا زراعت کرد یا ساختمان احداث نمود و از بین رفتن میت مدت مشخصی ندارد، بلکه با اختلاف شرایط جوی و تفاوت هوای هر منطقه مدت آن نیز متفاوت است. به عقیده من (البانی) اقدامات بعضی حکومت های اسلامی برای از بین بردن گورستان های مسلمانان و بیرون آوردن اجساد، به منظور ساخت و ساز و عمران و ... بدون هیچ گونه رعایت احترام و بدون توجه به نهی وارده در این موضوع و بدون جلوگیری از شکستن استخوانهای میت، از نظر شرع کار خوبی نیست. چون این گونه عمران از ضروریات زندگی مردم محسوب نمی شود، بلکه از جمله تشریفات زندگی هستند و برای پرداختن به تشریفات زندگی، تجاوز بر مردگان جائز نمی باشد. زندگان باید امور زندگی خود را چنان تنظیم کنند که به مردگان ضرر و آسیبی وارد نشود».

دفن مسلمان در قبرستان مشرکین:

موضوع دفن مسلمانان در قبرستان کفار به خصوص در کشور هائی که اقلیت های مذهبی در آن زندگی می کند یکی از موضوعات قابل بحث و مناقشه در بین مسلمانان می باشد. تمامی علمای مذاهب اهل سنت اتفاق نظر دارند بر این که:

دفن جنازه مسلمانان در قبرستان کفار، و یا دفن جنازه کفار در قبرستان مسلمانان حرام است، بلکه مسلمان در قبرستان مسلمانان و کافر در گورستان کفار دفن شود، مسأله از زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم تا امروز چنین بوده است و دلیل حرمت آن حدیثی از بشیر (بن خصاصیه) که گفت :

«بَيْنَمَا أَنَا أُمَامِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقُبُورِ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ : لَقَدْ سَبَقَ هَؤُلَاءِ خَيْرًا كَثِيرًا ثَلَاثًا، ثُمَّ مَرَّ بِقُبُورِ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ : لَقَدْ أَدْرَكَ هَؤُلَاءِ خَيْرًا كَثِيرًا» أبو داود (۳۲۳۰).

یعنی : همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم راه می رفتم، به قبرستان مشرکین رسیدیم، فرمود: «خوبی های زیادی از کنار اینها گذشت، ولی آنها محروم شدند» و سه بار تکرار کرد. بعد به مقبره مسلمانان رسیدیم، فرمود: «اینان خوبی های زیادی را کسب کردند».

ابن حزم به این حدیث احتجاج کرده که مسلمان و مشرک در یک مقبره دفن نشوند، و گفته : حدیث دلالت بر تفریق و جدائی قبور مسلمانان از قبور مشرکین دارد. «المحلی» (۵ / ۱۴۳).

و در کتاب «دائرة المعارف فقهی» آمده :

«فقهاء اتفاق دارند بر این که دفن مسلمان در قبرستان و عکس آن حرام است جز در ضرورت». «الموسوعة الفقهية» (۲۱ / ۱۹).

بنابراین بر مسلمانانی که در کشور های اقلیت های مذهبی زندگی می کنند ، واجب است زمینی را با همکاری همدیگر خریداری کنند و آن را مخصوص دفن اموات خود قرار دهند، هرچند که خرید آن برایشان سخت و ذی قیمت باشد ، اگر امکان خرید زمین برای تبدیل آن به قبرستان مخصوص مسلمانان نبود – مثلاً قوانین ظالمانه دولتی مانع آن می شد – در این هنگام باید اموات خود را به نزدیکترین کشوری که در آنجا قبرستان مسلمانان یافت می شود منتقل کرده و در آنجا دفن نمایند.

خواننده محترم!

غرض توضیح بیشتر این حکم اسلام توجه شما را به فتوای علمای هیأت دائمی افتاء سعودی که در برابر یک سؤال کننده نگاشته است جلب می نمایم:

سایلی از کشور فرانسه می پرسد: شخصی مسلمان در کشور فرانسه فوت نمود و امکان انتقال وی به کشور اسلامی وجود نداشت و در کشوری که در آنجا فوت کرده قبرستان مخصوص مسلمانان وجود ندارد، آیا می توان وی را در قبرستان نصاری دفن کرد؟ همچنین در آنجا مکانی برای غسل دادن اموات مسلمانان یافت نمی شود به جز حجره ای که مخصوص غسل اموات نصاری است، آیا اگر امکان غسل میت در منزلش نباشد می توان اموات مسلمانان را در آن حجره غسل داد؟

علمای دار الافتاء در مورد چنین جواب فرموده اند :

«اگر قبرستان مسلمانان وجود نداشته باشد باز نباید مسلمان را در قبرستان کفار دفن نمود، در اینحالت باید مکانی را در دشت و صحرا یافت و او را در آنجا دفن کرد و قبرش را همسطح زمین نمود تا مبادا در معرض نیش قرار گیرد و البته اگر امکان انتقال وی به سرزمین دیگری که در آنجا قبرستان مسلمانان وجود دارد فراهم باشد، و انتقال وی همراه با سختی شدید نباشد، اینکار اولاتر و بهتر است، اما اگر برای غسل دادن مسلمان امکان فراهم نمودن مکانی جداگانه – بدون تحمل کلفت ، ممکن نبود، در آنصورت غسل دادن مسلمان در مکان مخصوص کفار ایرادی ندارد.» «اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء» ۴۵۴/۸.

باز سایل دیگری می پرسد :

آیا دفن مسلمانان در قبرستان غیرمسلمانان جایز است؟ (البته) درجائی که مسلمانان در سرزمین های دور از مقابر مسلمین سکونت دارند و اگر بخواهند اموات خود را به آنجا ببرند لازمست بیشتر از یک هفته در حال سفر باشند، درحالی که سنت آنست که در دفن اموات تعجیل نمود؟

علماء در این مورد چنین جواب می فرمایند:

« برای مسلمانان جایز نیست که جنازه مسلمانان را در قبرستان کفار دفن کنند، زیرا عمل اهل اسلام از عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و بعد آنها همواره بر این بوده که قبرستان مسلمانان از کفار جدا شده، و مسلمان را با مشرک در یکجا دفن نکردند، و این امر به عنوان اجماع عملی محسوب شده که قبرستان مسلمانان باید جدا از کفار باشد و امام نسائی از بشیر بن معبد سدوسی روایت کرده:

همراه رسول خدا صلی الله علیه وسلم پیاده راه می رفتم که از کنار قبرستان مسلمانان عبور کردیم، ایشان فرمودند :

« لقد سبق هؤلاء شرًّا كثيرًا » آنها از شرهای زیادی خلاص شدند، و سپس از کنار قبر مشرکین عبور نمودیم و فرمود:

« لقد سبق هؤلاء خيرًا كثيرًا » خوبی های زیادی از کنار اینها گذشت، ولی آنها محروم شدند.

و این حدیث دلالت بر جدا بودن قبرستان مسلمانان و مشرکان از همدیگر دارد.

بر هر مسلمانان واجب است که در سرزمین غیر اسلامی سکونت نکند و در بین جمعیت کفار اقامت نگزیند، بلکه بر اوست که جهت نجات دینش از افتادن در فتنه آنجا را به سوی کشوری اسلامی ترک کند، تا بتواند شعائر دینش را برپا دارد، و با برادران مسلمان خود در نیکی همکاری و تعاون کند و سواد و جمعیت مسلمانان افزایش یابد، مگر کسی که جهت تبلیغ و نشر اسلام در بین آنها اقامت گزیند که در آنصورت اگر توانائی آن را داشته باشد و تحت تأثیر کفار قرار نگیرد ابرادی بر وی نیست در آنجا اقامت کند، و یا برای کسی که مجبور به اقامت در بین کفار شود، و بر آنها لازمست که با همدیگر همکاری کرده و قبرستان مخصوصی را مهیا کنند تا اموات خود را در آنجا دفن نمایند.»

خلاصه بحث:

اگر یک مسلمان در سرزمین کفر فوت کند، باید در قبرستان مخصوص مسلمانان دفن نشود و حق ندارند که وی را در قبرستان کفار دفن نمایند، اگر قبرستان مخصوص نبود وی را به نزدیکترین شهر یا کشوری که قبرستان مسلمانان در آن وجود دارد منتقل کنند، و اگر این امر برایشان بسیار سخت باشد، پس وی را در مکانی دور از شهر و قبرستان کفار دفن کنند و سطح آن را با زمین یکسان نمایند تا مبادا آنرا ویران و یا نبش کنند.

ادامه دارد